[خطبه‌ی اول 3](#_Toc468702188)

[**آثار و پیامدهای گناه** 3](#_Toc468702189)

[**1.** **آثار و پیامدهای گناه در زندگی فردی** 3](#_Toc468702190)

[**2.** **آثار و پیامدهای گناه در زندگی خانوادگی** 4](#_Toc468702191)

[**3.** **آثار و پیامدهای گناه در زندگی اجتماعی** 4](#_Toc468702192)

[**4.** **آثار و پیامدهای روحی روانی گناه** 4](#_Toc468702193)

[**أ‌.** **تاریکی قلب** 4](#_Toc468702194)

[**ب‌.** **تأثیر گناه بر گناهان دیگر** 5](#_Toc468702195)

[**ت‌.** **گناه، عامل پیدایش گناه دیگر** 6](#_Toc468702196)

[**ث‌.** **سلب توفیق از کارهای نیک** 6](#_Toc468702197)

[**ج‌.** **گناه مانع اجابت دعا** 7](#_Toc468702198)

[**ح‌.** **واگذاری انسان به خود** 7](#_Toc468702199)

[**خ‌.** **گناه، مانع تقرب به خدا** 7](#_Toc468702200)

[**د‌.** **از بین رفتن اعمال نیک به‌واسطه‌ی گناه** 8](#_Toc468702201)

[**جنگ صفین برای امربه‌معروف و نهی از منکر** 8](#_Toc468702202)

[**روضه** 9](#_Toc468702203)

[خطبه‌ی دوم 10](#_Toc468702204)

[**قله‌های صعود، در دهه‌ی آخر ماه مبارک رمضان** 10](#_Toc468702205)

[**شهادت امیرالمؤمنین(ع) و گرامیداشت شب‌های قدر** 10](#_Toc468702206)

[**شورای نگهبان، وظایف و کارکردها** 11](#_Toc468702207)

[**عدم توجه به نظر شورای نگهبان در انتخابات سال 88** 11](#_Toc468702208)

[**کاهش جمعیت کشور، چالش‌ها و راه‌کارها** 11](#_Toc468702209)

[**مشکلات کاهش جمیعت** 12](#_Toc468702210)

[**عوامل کاهش جمعیت و راه‌کارها** 12](#_Toc468702211)

[**توجه دولت به سند راهبردی سیاست‌های جمعیتی کشور** 13](#_Toc468702212)

[**مسئله‌ی مهاجرت‌ها** 13](#_Toc468702213)

[**مهاجرت، مشکلات و راه‌کارها** 13](#_Toc468702214)

[**وظایف مردم در مقابل حفظ محیط‌زیست** 14](#_Toc468702215)

[**جدی گرفتن دغدغه‌های فرهنگی رهبری** 14](#_Toc468702216)

[**راهپیمایی روز قدس، وظیفه‌ای همگانی** 14](#_Toc468702217)

[**دعا** 15](#_Toc468702218)

# خطبه‌ی اول

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیة الله فی الارضین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ** »**عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل «وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی»**

همه شما نمازگزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

**آثار و پیامدهای گناه**

بحث ما در دو خطبه‌ی گذشته در ماه مبارک رمضان، پیرامون آثار و پیامدهای گناه بود. در خطبه‌های قبل عرض کردیم که در نگاه قرآن و روایات، پیامدها و آثار گناه بسیار متنوع و پردامنه است و همان‌طور که اطاعت خداوند و فرمان‌بری از حضرت حق، در همه‌ی ابعاد زندگی انسان بازتاب دارد، نور اطاعت و فرمان‌بری خداوند، در همه‌ی ساحت‌های زندگی و شخصیت انسان، متجلی می‌شود. همین‌طور تاریکی گناه و پیامدهای منفی گناه در همه‌ی ابعاد شخصیت انسان و در همه‌ی قلمروهای فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی انسان منعکس می‌شود. نباید گمان کرد که طاعت و عبادت ما بریده‌ی از سایر ابعاد وجودی ماست و همین‌طور نباید تصور کنیم که گناهی در آشکار و نهان انجام شد، این یک جزیره‌ی بریده‌ی سایر ابعاد شخصیت است. خیر این‌طور نیست. پس گناه دارای ابعاد و آثار و تبعات و پیامدهای بسیار گسترده‌ای است و همواره انسان باید متذکر به این باشد که رفتن به سمت گناه، ممکن است او را به سمت پرتگاه‌های سقوط، سوق بدهد و انواع مصیبت‌ها و گرفتاری‌های مادی و معنوی را برای او به ارمغان بیاورد. این هشدار آیات و روایات شریفه است.

1. **آثار و پیامدهای گناه در زندگی فردی**

عرض کردیم که بر اساس این منطق کلی اسلام، یک بخش از آثار و تبعات گناه، آثار مادی گناه در زندگی فردی انسان است. هر گناهی در همین زندگی مادی انسان می‌تواند یک اثر منفی به‌جا بگذارد. این یک بخش بود که توضیحاتی در مورد آن‌ها تقدیم شما شد.

1. **آثار و پیامدهای گناه در زندگی خانوادگی**

دومین آثار منفی مادی گناه در زندگی خانوادگی است. وقتی‌که پدر، مادر یا یکی از اعضای خانواده، گرد گناهی می‌چرخد، این گناه تبعات منفی برای خانواده‌ی او به بار می‌آورد.

1. **آثار و پیامدهای گناه در زندگی اجتماعی**

سومین تبعات منفی مادی گناه، در زندگی اجتماعی در دایره‌ی محدود یا وسیع بشری است. وقتی‌که گناه انسان‌ها افزایش پیدا کند و گناه به‌صورت فرهنگ عمومی در بیاید و خوبان در برابر امواج گناه مقاومت نکنند، گناه علاوه بر آثار مادی فردی و علاوه بر آثار مادی خانوادگی، دارای تبعات و آثار منفی، در زندگی اجتماعی خواهد شد. مصیبت‌های اجتماعی و بلاهای طبیعی و گرفتاری‌های عمومی می‌تواند نتیجه‌ی گناهان انسان‌ها در جامعه باشد. این سه نوع آثار منفی مادی گناه در این دنیاست. بنابراین گناه، سلسله‌ای از مصیبت‌ها، گرفتاری‌ها، سختی‌ها، دشواری‌ها و چالش‌ها را به دنبال خود می‌کشاند. فکر نکنیم که کاری انجام شد و تمام. خیر می‌تواند آن کار زنجیره‌ای از مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها را در همین دنیا و زندگی فردی، خانوادگی و یا در زندگی وسیع اجتماعی به بار بیاورد. همه‌ی این‌ها مستند به آیات شریفه‌ی قرآن و ده‌ها حدیث و روایت در منابع روایی ماست. این سه نوع از آثار گناه است که نمونه‌هایی از آن را هم‌عرض کردیم؛ البته تفصیل بیشتر آن فرصت بیشتری می‌خواهد.

1. **آثار و پیامدهای روحی روانی گناه**

نوع چهارم از نتایج زیان‌بار گناه، آثار روحی گناه و تبعات منفی گناه در فضای دل‌وجان و روح انسانی است. این از آن‌ها مهم‌تر است. اگر گناه فقط آثار منفی مادی داشت، یعنی اگر اثر فردی، خانوادگی و اجتماعی دنیایی داشت، شاید جای این بود که کسی بگوید من این تبعات منفی گناه را به جان می‌خرم و مرتکب گناه می‌شوم و آن لذت زودگذر را به جان می‌خرم و آسایش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی را از دست می‌دهم؛ اما علاوه بر این سه نوع پیامد گناه، معصیت الهی و نافرمانی خداوند زیر پا گذاشتن خط قرمزهای الهی، چهارمین اثر منفی آن در دل، جان و روح ماست و این همان مقدمه‌ی آثار منفی آخرت است.

1. **تاریکی قلب**

در اینجا ما به استناد آیات و روایات، هفت هشت موضوع را عرض می‌کنیم. اول این‌که تاریکی قلب، زنگار گرفتن دل، کدورت جان، سیاهی قلب و درنهایت مردن قلب، این مهم‌ترین اثر روحی گناه در زندگی معنوی انسان است. با پیشرفت در عرصه‌ی گناه و انباشته شدن پرده‌های گناه، قدم‌به‌قدم دل در تاریکی‌ها و ظلمت‌ها پیش می‌رود. همان‌طور که در روایاتی آمده و هفته‌ی قبل یکی از آن‌ها را خدمت شما تقدیم کردم و این روایات، متعدد و مستفیض است. هم از شخص حضرت رسول اکرم و هم از پیشوایان دیگر ما نقل‌شده است که هر گناهی که از شما صادر می‌شود، نقطه‌ی تاریک و سیاهی و لکه‌ی تاریکی را در صفحه‌ی پاک جان شما بر جای می‌گذارد. هرچه در مسیر گناه پیش رویم، گناهی بر گناهی انباشته شود یعنی لکه‌ای بر لکه‌ای دیگر می‌نشیند. بعد لکه‌ها همه‌ی جان را می‌گیرد. این مراحل تدریجی دارد و یک‌دفعه نیست که انسان متوجه شود. این کدورت قلب با یک تاریکی مختصر شروع می‌شود. اما قدم دوم بیشتر و سوم بیشتر تا جایی می‌رسد که« **خَتَمَ اللَّهُ عَلى‏ قُلُوبِهِمْ وَ عَلى‏ سَمْعِهِمْ وَ عَلى‏ أَبْصارِهِمْ غِشاوَة**» [[1]](#footnote-1) به‌جایی می‌رسد که تمام منافذ شعوری انسان بسته می‌شود. مثل یک انسانی که کر و کور و لال است می‌شود. «**صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لا يَعْقِلُون**» [[2]](#footnote-2)‏« **وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلى‏ عِلْم**»[[3]](#footnote-3) تعبیرات گوناگونی در روایات و قرآن آمده است. قلب انسان مهر می‌خورد. کور و کر و لال می‌شود. حقایق عالم را نمی‌بیند و موضعه و سخن و نماز و جماعت دل او را تکان نمی‌دهد. رمضان و سحر و دعا، در وجود او اثر نمی‌کند؛ چون نتیجه‌ی گناهان است و لکه‌های تاریک است. هر گناه و هر مجموعه‌ای از گناهان جمع شده و یکی چشم را کور کرده؛ یکی گوش را کرده؛ یکی زبان را لال کرده است. هرکدام از منفذی از حقایق را بسته است. این اثر اول است«**في‏ قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزادَهُمُ اللَّهُ مَرَضا**»[[4]](#footnote-4) این مرض‌ها جمع می‌شود و زمانی می‌رسد که یک پیکر بی‌جان و بی‌خاصیت برای انسان باقی‌مانده است.

1. **تأثیر گناه بر گناهان دیگر**

دومین آثار روحی و معنوی گناه، تأثیر گناه در گناهان دیگر است. همان‌طور که عرض شد، هر گناهی را نباید مانند یک زنجیر و حلقه‌ی بریده‌ی از زنجیر دیده شود. گاهی حلقه‌ای از زنجیر جدا افتاده و شما اگر آن را تکان بدهید، بقیه‌ی زنجیر تکان نمی‌خورد؛ اما گاهی حلقه‌ی زنجیر به حلقه‌های دیگر متصل است که اگر یکی از حلقه‌ها تکان بخورد، همه‌ی زنجیر به دنبال آن حرکت می‌کند. گناه مثل مثال دوم است. اعمال ما در این عالم به‌هم‌پیوسته است و رابطه‌ی علی و معلولی بین آن‌ها برقرار است. این‌طور نیست که گناهی را کسی انجام دهد و بگوید من این را انجام دادم و بقیه‌ی کارها سر جای خودش است. این‌طور نیست. غالباً این‌طور است که یک گناه، در علتی ریشه دارد که ارتکاب آن، همه‌ی این زنجیره‌ی عمل انسان را تکان می‌دهد. یا به‌عبارت‌دیگر گناه مانند جزیره‌ای نیست که اطراف آن را آب گرفته باشد و با سایر جزایر ارتباطی نداشته باشد. خیر؛ این سرزمینی است که چسبیده به سرزمین‌های دیگر است. برخی از گناهان روی مجموعه‌ی زندگی انسان می‌آید و حیات معنوی و اعمال انسان اثر می‌گذارد. تکبر که انسان خود را از دیگران بالاتر بداند و دیگران را پایین بداند. این‌یکی از صفات بسیار بد و از اوصاف مذمومه است. از امیرالمؤمنین نقل‌شده است که می‌فرماید: «**الْكِبْرُ دَاعٍ إِلَى التَّقَحُّمِ فِي الذُّنُوب**»[[5]](#footnote-5) تکبر شما را به فرورفتن در گناهان می‌کشاند. همین تکبر و به دنبال آن تحقیر و ضرر زدن به دیگران می‌آید و چندین مسئله‌ی دیگر به دنبال آن می‌آید. یک‌وقتی می‌بینیم که یک نقطه‌ی گناه را انجام داده؛ اما به دنبال آن زنجیره‌ای از گناهان است. «**ثُمَّ كانَ عاقِبَةَ الَّذينَ أَساؤُا السُّواى‏ أَنْ كَذَّبُوا بِآياتِ اللَّهِ**»[[6]](#footnote-6) گاهی این‌طور است که ابتدا انسان یک گناه را انجام می‌دهد و چیزی را از حقایق دین انکار می‌کند؛ ولی قدم‌به‌قدم جلو می‌رود و به‌جایی می‌رسد که چیزی از دین را ندارد.

در روایتی در تفسیر امام عسکری(ع)، از پیامبر خدا حضرت محمد مصطفی(ص) نقل‌شده که فرمودند:« **يَا عِبَادَ اللَّهِ احْذَرُوا الِانْهِمَاكَ فِي الْمَعَاصِي وَ التَّهَاوُنَ بِهَاَ حَتَّى تُوقِعَهُ فِي دَفْعِ تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ الْإِلْحَادِ فِي دِينِ اللَّهِ**»[[7]](#footnote-7) از این‌که در گناهان فرو بیافتید، بر حذر باشید. هوشیار باشید مبادا گناه را کوچک بشمارید؛ چراکه پیامبر اکرم در این روایت می‌فرمایند: گناه که انجام شد، این گناه وجود شما را در برمی‌گیرد و هر گناهی شما را به سمت گناه بدتری می‌کشاند. **«حَتَّى تُوقِعَهُ فِي دَفْعِ تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ الْإِلْحَادِ فِي دِينِ اللَّهِ**». گناهی که انجام می‌شود، قدم‌به‌قدم شما را به جلو می‌برد و مانند باتلاق شما را در خود غرق می‌کند. این داستان گناه است. اول می‌گوید ما جوان هستیم و شرایطی پیدا شده یا موقعیتی هست و این گناه را انجام می‌دهم و بعد توبه می‌کنم. بله درست است که باب توبه باز است اما درعین‌حال باید بیدار بود. گناه، مانند باتلاق است. قدم‌به‌قدم انسان را در خود فرومی‌برد. بعد ادامه می‌دهد و می‌فرماید: زمانی که گناهان افزوده شد، جلو می‌آید تا زمانی که امامت و نبوت را انکار می‌کند و بعد هم کلاً دین خدا را کنار می‌گذارد. برخی از این جریانات انحرافی مانند بهاییت که یک دین پوشالی بی‌پایه است. کسی که کتاب‌ها و آثار این‌ها را که ببیند، هیچ‌چیزی در آن نیست جز یک‌مشت چرت‌وپرت‌هایی که آن آقا به خاطر بیماری‌های روحی به‌هم‌بافته است. اول این گناه این بود که او خطایی کرد و عده‌ای هم او را تشویق کردند و فریب خورد و قدم‌به‌قدم به‌جایی رسید که گفت: من بابم و واسطه‌ی بین شما و امام زمان هستم. بعد جلوتر رفت و ادعای امام زمانی و بعد هم ادعای خدایی کرد. قدم‌به‌قدم این شخص، پیش رفت. این همان مصداق روایتی است که پیامبر اکرم نقل کرده است. به‌جایی می‌رسد که همه‌ی دین و حقایق را انکار می‌کند. روایات دیگری هم در این زمینه هست که من از آن‌ها می‌گذرم. بنابراین چهارمین نوع از آثار گناه چند چیز است. یکی تاریکی و سیاهی قلب که جلو می‌رود و سرانجام آن مرگ قلب است.

1. **گناه، عامل پیدایش گناه دیگر**

دومین آثار آن تأثیر هر گناه در پیدایش گناه جدید است. این گناه‌ها هم زنجیروار جلو می‌رود تا جایی که« **ثُمَّ كانَ عاقِبَةَ الَّذينَ أَساؤُا السُّواى‏ أَنْ كَذَّبُوا بِآياتِ اللَّهِ»** [[8]](#footnote-8)اصلاً دل چیزی را نمی‌پذیرد تا چیزی را قبول کند.

1. **سلب توفیق از کارهای نیک**

سوم سلب توفیق است. یکی دیگر از آثار روحی گناه این است که مانع انجام عبادات و تکالیف می‌شود. گاهی ترک اولایی موجب سلب توفیق می‌شود. روایتی از امام صادق(ع) نقل‌شده است که فرمود: شخصی گناهی می‌کند و به خاطر آن، از نماز شب محروم می‌شود. نماز شب یک عبادت بسیار نورانی است. من به جوانان عزیز، دختران و پسران عزیز توصیه می‌کنم که نماز شب را لااقل در ماه مبارک رمضان، ترک نکنید. برکاتی که در نماز شب وجود دارد، اصلاً قابل‌تصور نیست. یکی از آثار گناه این است که موجب می‌شود انسان از خوبی‌ها و عبادات محروم شود. گاهی ترک ارتکاب گناه موجب سلب توفیق می‌شود. جمعه می‌رفته ولی به خاطر گناه، از حضور در آن بازمی‌ماند. گناه می‌کند و از نماز شب بازمی‌ماند. گناه می‌کند و از خدمت به مردم، والدین محروم می‌شود. این‌همه واجبات و مستحبات که درجات صعود الی الله است برای کمال به الی الله است؛ اما سومین اثر گناه از نظر روحی، سلب توفیق است. در روایات زیادی آمده است که گناه سلب توفیق می‌کند. در ادامه‌ی روایت می‌فرماید: اثر گناه از خنجری که به قلب کسی وارد می‌شود، بیشتر است. اگر خنجری به قلب کسی فرو کنند چه اتفاقی می‌افتد؟ امام می‌فرماید: گناه این‌طور است. گناه تیرهای شیطانی است. خنجرهای مسمومی است که دل‌وجان شما را پاره‌پاره می‌کند و توفیق را از شما سلب می‌کند.

1. **گناه مانع اجابت دعا**

چهارم این‌که گناه مانع اجابت دعا می‌شود. در روایت هست که می‌فرماید:«**الْمَعْصِيَةُ تَمْنَعُ الْإِجَابَة**»[[9]](#footnote-9) بسیاری از خواسته‌ها و دعاها به خاطر این است که ما مرتکب گناه شده‌ایم، به هدف اجابت نمی‌رسد. البته گاهی هم عدم اجابت، دلایل دیگری دارد؛ اما یکی از ادله‌ی آن، گناه است. کسی که وارد گناهان شده، دیگر زمینه‌ی ارتباط باخدا را ندارد.

1. **واگذاری انسان به خود**

پنجم اثر این است که اگر گناه صورت بگیرد خدا هم او را به خود وامی‌گذارد. ایکال الی نفسه. این خطرناک‌ترین چیز در عالم سیر و سلوک است. اگر به خود واگذار شویم، هیچ می‌شویم. گناه، کاری می‌کند که خداوند ما را به خود واگذار می‌کند. در حدیث قدسی این داستان نقل‌شده است که خداوند می‌فرماید: وقتی‌که کسی گناه می‌کند، من او را به خودش واگذار می‌کنم. هرچه جلوتر برود ایکال الی نفسه بیشتر می‌شود.

1. **گناه، مانع تقرب به خدا**

ششم این است که گناه، زمینه‌های تقرب به خدا را می‌گیرد. یکی از آن‌ها اشک چشم است. چشم گریان از ترس و خشیت خدا، از جایگاه فوق‌العاده‌ای برخوردار است. آن‌همه احادیث و اخبار آمده است که در تنهایی و در برابر خداوند اشک بریزید و اظهار ناله و تضرع کنید. در سیره‌ی ائمه و پیشوای پارسایان شهید این ماه، امیرالمؤمنین چقدر نقل‌شده که اشک‌ها، ناله‌ها و سوزهای علی، داستان‌ها از آن نقل‌شده است. این مایه‌ی کمال انسانی است. گناه اشک ما و شما را می‌گیرد. گناه، وسایل قرب به خدا را می‌گیرد و هر آنچه لازمه‌ی پرواز در مدارج الهی است را از ما می‌گیرد. بیست شب از ماه مبارک رمضان گذشت. از خود سؤال کنیم چند بار در برابر عظمت خدا، تواضع کردیم و اشک از چشمان ما جاری شد؟ گناهان ما مانع ریزش اشک‌های ما و مانع تقرب ما به‌سوی خدا می‌شود.

1. **از بین رفتن اعمال نیک به‌واسطه‌ی گناه**

هفتم این است که گناه، خوبی‌های موجود را هم از بین می‌برد. این قانون حبط است. حبط یعنی سیئه، حسنه را از بین می‌برد. اگر کفه‌ی یک گناه سنگین بود، خوبی‌های ما را هم از بین می‌برد. نماز ما را هم از بین می‌برد. خوبی‌هایی که از ما صادرشده را بی‌خاصیت می‌کند. «**وَ قَدِمْنا إِلى‏ ما عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْناهُ هَباءً مَنْثُورا**»[[10]](#footnote-10) گاهی کسانی به خاطر گناهان، چنان آلوده می‌شود که همه‌ی حسنات او از بین می‌رود. روز قیامت می‌گوید: من این‌همه کار خوب انجام دادم. کجاست؟ بعد می‌بیند که این ظلم و تعدی و گناه، چنان غلبه کرده بود که طومار خوبی‌های او را هم در هم پیچید. باید بر حذر بود. همان‌طور که خوبی‌ها بدی‌ها را می‌پوشاند، خیلی وقت‌ها هم بدی‌ها و معصیت‌های ما خوبی‌های ما را از بین می‌برد. در تاریخ هم از این قبیل داریم.

بنابراین تا اینجا چهار قسم از آثار گناه را عرض کردیم. آثار دنیایی فردی گناه، آثار دنیایی خانوادگی گناه، آثار دنیایی اجتماعی گناه و آثار روحی و قلبی و معنوی در زندگی انسان. شما این‌ها را کنار هم بگذارید ببینید چه غوغایی است. چقدر حقایق دنیا را برای ما تبیین کرده‌اند تا در هلاکت‌ها قرار نگیریم. این‌ها زنگ‌های خطر است. این‌همه آیات و روایات کافی نیست که جامعه‌ی ما و ما بیدار شویم و از گناه فاصله بگیریم. لااقل نگذاریم گناه رواج پیدا کند و گناه یک فرهنگ و یک امر عادی و متعارف شود و همه با آن انس بگیریم. در خانه و جامعه گناه امر عادی شود.

**جنگ صفین برای امربه‌معروف و نهی از منکر**

در ایام شهادت علی(ع) هستیم. در حدیثی به این مضمون می‌خواندم. کسی در جنگ صفین به محضر حضرت وارد شد و پرسید: چطور شد شما در این سن و شرایط وارد این جنگ شدید؟ می‌دانید که جنگ صفین از طولانی‌ترین و سخت‌ترین جنگ‌های صدر اسلام است. آن‌هم جنگ با یک عده‌ به‌ظاهر مسلمان است. خیلی جنگ سختی بود. شب‌ها و روزهای سخت آن، بحث‌هایی که در میان بود و تهمت‌هایی که می‌زدند و آن‌همه فتنه‌هایی که بر سر علی ریخت، در جنگ صفین بود. علی تنها در این میدان بود. از حضرت می‌پرسد که چه شد؟ حضرت فرمود: اگر نبود که می‌ترسم که اسیر غل و زنجیرهای عذاب خدا شود، وارد این جنگ نمی‌شدم؛ ولی می‌بینم سکوت من در برابر فساد و گناه، آرام گرفتن من در برابر جریان منحرف معاویه و این فتنه‌ی عالم‌گیر، این موجب عذاب الهی می‌شود و همین‌جا می‌فرماید: به خاطر امربه‌معروف و نهی از منکر و فرمان خدا بر ایستادگی در برابر گناهان، قد علم کردم. می‌دانم اگر این وظیفه را انجام ندهم، اسیر قل و زنجیر جهنم خواهم شد. عده‌ای همراهی کردند ولی اکثریت حمایت نکردند. گناه اهل کوفه دامن آن‌ها را در این دنیا گرفت. علی فرمود: امروز با من این‌طور رفتار می‌کنید ولی بدانید خداوند مرا از شما می‌گیرد و شما را به حاکمان ستم‌پیشه گرفتار خواهد کرد. این اثر گناه شماست. جامعه‌ای که قدر امام علی، آن پیشوای مظلومان و پارسایان را ندارد، شایسته‌ی آن‌همه گرفتاری‌هاست. این‌ها آثار گناه است. ابن ملجم یک نفر بود که آن گناه را انجام داد ولی او یکی نبود. سلسله‌ی حوادث عالم اسلام دست‌به‌دست هم داد تا علی از پا درآمد. این اثر گناه است. بعد کوفه و جهان اسلام را ببینید که بعد از فقدان علی با چه گرفتاری‌هایی روبرو میَ‌شود.

**روضه**

ای امام مظلوم ما. امروز به شما سلام می‌کنیم. السلام علیک یا امیرالمؤمنین. السلام علیک یا علی بن ابی‌طالب. شما برای هدایت مردم خیلی سختی کشیدید. اما می‌دانید کی علی راحت شد؟ زمانی که جامعه در هزار گرفتاری واقع شد. آن‌وقت علی اعلام راحتی کرد و زمانی که شمشیر بر سرش فرود آمد فرمود: فزت و کعبه. به خدای کعبه که بعد از یک‌عمر مجاهدت راحت شدم و به سعادت رسیدم. کی مردم کوفه فهمیدند که چه کسی را از دست دادند؟ وقتی‌که ندایی بین زمین و آسمان شنیده شد« **و الله تهدمت ارکان الهدا**». مردم به خدا قسم پایه‌های هدایت فروریخت. السلام علیک یا امیرالمؤمنین(ع) « **وَ سَيَعْلَمُ الَّذينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُون**»[[11]](#footnote-11)‏

**«بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ»** صدق الله العلی العظیم.

# خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[12]](#footnote-12)عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** همه‌ی شما و خودم را در سومین جمعه‌ی ماه مبارک رمضان و در ایام و لیالی قدر و در آستانه‌ی شهادت پیشوای پارسایان، به تقوا و پارسایی و پرهیزکاری، به اهتمام ویژه برای استفاده‌ از دهه‌ی آخر ماه مبارک، توصیه می‌کنم.

**قله‌های صعود، در دهه‌ی آخر ماه مبارک رمضان**

دهه‌ی آخر ماه مبارک، قله‌های فیوضات ماه را در بر دارد. پیامبر گرامی اسلام در دهه‌ی آخر ماه مبارک رمضان، خواب و آسایش در خانه را رها می‌کرد و همه‌ی اهل خانه را آماده‌ی عبادت خاص در دهه‌ی آخر ماه می‌کرد و به احتمال قوی، شب قدر که برتر از هزار ماه است و آن همه فیض‌های الهی در آن متجلی است، در دهه‌ی آخر ماه مبارک قرار دارد. این دهه‌ی آخر، دهه‌ی مزد گرفتن است. دهه‌ی به قله‌ها صعود کردن است. دهه‌ی پیشتازی در مسابقه‌ی بزرگ ماه مبارک رمضان است. برادران و خواهران و نمازگزاران و روزه‌داران بزرگوار، این دهه را مثل یک عزیز بزرگ بدارید. این دهه را فرصتی ویژه بدانید. تمام تلاش و کوشش خود را برای استفاده‌ی از این دهه، بکار ببندید. تقوای الهی، بزرگ‌ترین توصیه‌ی این ماه و شهید مظلوم این ماه است.

**شهادت امیرالمؤمنین(ع) و گرامیداشت شب‌های قدر**

شهادت امیرالمؤمنین را تسلیت عرض می‌کنم و نام و یاد عزیز او را گرامی می‌داریم با صلواتی بر محمد و آل محمد. شب‌های قدر را توصیه می‌کنم. خانه‌ها و مساجد و شهر و جامعه‌ی ما باید رمضانی و قدری شود. شب‌های قدر، شب‌های استغفار و دعا و مناجات است. شب‌های درخواست حاجت‌های بزرگ از خدای بزرگ است. امیدواریم این دو شب باقیمانده از شب‌های قدر و همه‌ی شب‌های باقیمانده از ماه مبارک رمضان، در نظر شریف شما روزه‌داران و نمازگزاران به‌ویژه جوانان عزیز باشد و تلاش کنیم با دعا، مناجات، قرائت قرآن، اطعام فقرا،‌رسیدگی به خلق خدا، با بازداشتن خویش و دیگران از گناه بتوانیم به فیوضات دهه‌ی آخر و شب‌های قدر نائل بشویم.

**شورای نگهبان، وظایف و کارکردها**

من در دو خطبه‌ی سابق، برخی از مسائلی که بعد کشوری یا منطقه‌ای یا هر دو بعد را داشته را عرض کردم. در این خطبه هم دو سه موضوع را خدمت شما عرض می‌کنم. قبل از آن سالگرد تأسیس شورای نگهبان را گرامی می‌داریم. شورای نگهبان، یک نهاد مکمل مجلس قانون‌گذاری و شورای اسلامی است و حافظ و صیانت گر قوانین است که خلاف اسلام نباشد و هم پاسدار انتخابات سالم در کشور است. امام نسبت به آن توصیه‌های فراوانی می‌کردند و باید بدانیم که شورای نگهبان، سیانت کننده‌ی از سلامت قانون و انتخابات است و ازاین‌روست که هم باید این نهاد را بزرگ داشت و هم این‌که باید همه‌ی جناح‌ها و جریان‌های سیاسی، در انواع مسائلی که وارد کشور می‌شود، مانند همه‌ی دنیا، یکجایی حرف آخر را بزند. در بحث قوانین و انتخابات باید شورای نگهبان حرف آخر را بزند. در آمریکا، اروپا هم یک جایی حرف آخر را می‌زند. شورای نگهبان این نقش را دارد و در انتخابات و قوانین، باید به داوری نهایی شورای نگهبان، تن بدهند.

**عدم توجه به نظر شورای نگهبان در انتخابات سال 88**

در سال 88 هم اگر به داوری قانون اساسی و شورای نگهبان تن داده می‌شد، کشور این‌همه مشکلات برای جامعه پیش نمی‌آمد. داوری شورای نگهبان آن بود؛ رهبری معظم تلاش فراوانی کردند تا قصه را جمع کنند؛ اما کسانی تمکین نکردند و این بلاها را بر سر خود و جامعه آوردند. این کار خطایی است. این منطق سیاسی و منطق اداره‌ی حکومت در دنیاست که کسی حرف آخر را می‎زند در قانون و انتخابات و همان را هم باید مبنا قرار داد. هرکسی ممکن است ملاحظه‌ای داشته باشد که این‌ها حسن نمی‌شود. به‌هرحال این نهاد نقش مهمی دارد و ما برای این نهاد و همه‌ی نهادهای نظام و قوای سه‌گانه‌ی نظام و همه‌ی خدمت‌گزاران کشور آرزوی توفیق داریم.

**کاهش جمعیت کشور، چالش‌ها و راه‌کارها**

نکته‌ی دیگر از نکات، بحث جمعیت است که با بحث خانواده هم ارتباط دارد. من در خصوص خانواده مطالبی عرض کردم و در خصوص جمعیت هم باید در اینجا مطالبی را عرض کنم. مقوله‌ی جمعیت، یک مقوله‌ی مهمی است. کشور ما در یک دوره، یک موج انفجار جمعیتی داشت و مطابق مصالح کشور، برنامه‌هایی برای کنترل طراحی شد؛ اما این کنترل بیش‌ازحد پیش رفت و از نقطه‌ی اعتدال خارج شد و این نکته باعث شد که زنگ‌های خطر برای اقتدار کشور به صدا دربیاید. امروز میانگین رشد جمعیت ما در کشور به‌گونه‌ای است که به تعدادی که از دنیا می‌روند، به‌تدریج جایگزین نخواهد شد و اگر این وضع 1/4 تا 8 دهمی که می‌گویند اختلاف آماری در اینجا هست ولی همه‌ی آمارها می‌گوید رشد جمعیت کمتر از 2 است. عدد 2 درصد معنایش این است که جمعیت جایگزین می‌شود و کاهش پیدا نمی‌کند. هر چه از 2 درصد پایین‌تر بیاید یعنی در یک بازه‌ی زمانی جمعیت کشور کاهش پیدا می‌کند. امروز در اروپا و کشورها با کاهش جمعیت قرار دارد و کشور ما هم با این آسیب مواجه است. کسانی که می‌گویند به افزایش جمعیت باید توجه کرد، کسی نمی‌گوید مانند رشد سال‌های 50 و 60 باشد اصلاً برای امروز ما امکان ندارد. می‌گویند باید شیب ملایمی در ازدواج و فرزند آوری پیدا شود تا از این بحران بیرون بیاییم. الآن 78 میلیون جمعیت داریم. اگر این رقم رشد را داشته باشیم و اگر این روند ادامه داشته باشد، 80 سال دیگر جمعیت ما 30 میلیون نفر می‌شود و 20 سال آینده رشد جمعیت ما متوقف می‌شود.

**مشکلات کاهش جمیعت**

بعد از آن هم چندین مشکل برای کشور ما به وجود می‌‌آید. یکی سالمندی است. وقتی‌که ما الان 25 درصد سالمند داریم، در 20 سال دیگر این رقم به 50-60-70 درصد می‌رسد. سن جمعیت جوان و در حال کار، کاهش پیدا می‌کند. ارکان اقتصادی و علمی ما ضعیف می‌‌شود. مهاجرت از بیرون به سمت کشور، برای نیروی کاری گسترش پیدا می‌کند و نهایتاً این است که پایگاه جمعیتی ما که یک پایگاه مهم قدرت در دنیاست، متزلزل می‌شود. این خطرهایی است که آمار و ارقام این خطرها را گوشزد می‌کنند. همه‌ی اهل نظر هم این آمار را با مقداری اختلاف این را تائید می‌کنند. بنابراین بحران باروری و تجدید نسل، بحران سالمندی و کهن‌سالی، بحران کاهش جمعیت جوان و فعال کار و تلاش و علم، بحران مهاجرت‌ها و تغییرات جمعیتی و نهایتاً بحران‌های اقتصادی و سیاسی و مهم‌تر از همه‌ی این‌ها بحران افت گفتمان انقلاب اسلامی در دنیای معاصر، بحران‌هایی است که زنگ خطر آن‌ها به صدا در آمده است. هرکدام از این‌ها بحث‌های طولانی دارد که فرصت نیست به آن‌ها بپردازیم.

**عوامل کاهش جمعیت و راه‌کارها**

یکی از عوامل کاهش جمعیت این است که سن ازدواج بالا رفته است. امروز در کشور ما میانگین سن ازدواج بین پسران 26 و در دختران 22 است و این سال‌به‌سال بالا می‌رود. الآن ما یک جمعیت چندمیلیونی از دختران و پسران داریم که از سن ازدواج، عبور کرده‌اند. عامل دیگر آن عدم تمایل به مسئولیت‌پذیری در زندگی خانوادگی است. نمی‌خواهد مسئولیت یک زندگی را بر عهده بگیرد. عدم تمایل به فرزند آوری است و این به خاطر راحت‌طلبی و آسایش‌طلبی موهوم و خیالی است و اختلافات خانوادگی و افزایش طلاق از عوامل دیگر این قضیه است. این عوامل، آن بحران‌ها را ایجاد می‌کند. الآن صدای زنگ‌های خطر بلند شده است. سخن من این نیست که ما به رشد 4-5-6 درصد برگردیم. این اصلاً الآن ممکن نیست. سخن من این نیست که مشکلات اقتصادی وجود ندارد؛ اما سخن این است که ما حداقل باید این اقدامات را انجام داد که 2 تا 3 درصد رشد جمعیت داشته باشیم که جمعیت، جایگزین شود و یک رشد معقولی هم داشته باشد. معنای آن این است که باید چند اقدام انجام داد. یکی این‌که ازدواج به‌موقع داشته باشیم. باید ازدواج را آسان کرد. مهریه و جهیزیه‌ی متعارف و متناسب، بدون تشریفات داشت و ازدواج را آسان کرد.

دوم این‌که میل به فرزند آوری را تقویت کرد. زوج‌های جوان باید بدانند که فرزند، برکت زندگی است و تکلیف الهی است و برای اقتدار کشور است. دیگر دو کودک در زندگی طبیعی است. الآن خیلی‌ها در شهرهای بزرگ بچه را نمی‌پسندند و گاهی شعارشان یکی است که این‌ها غلط است. پایه‌ی زندگی خانوادگی خوب و بامحبت، دو سه فرزند است.

سوم این است که فرهنگ زشت‌انگاری طلاق باید رواج پیدا کند. نباید طلاق یک امر ساده و آسانی شود. طلاق زشت و چیز بدی است. باید رشد آن متوقف شود و کاهش پیدا کند.

چهارم این‌که حقوق خانوادگی باید رعایت شود. اگر حقوق خانوادگی رعایت شود، طبعاً خانه برای فرزند آوری، زمینه‌ی بهتری دارد.

پنجم این است که تربیت فرزندان را مهم بشماریم. اصول و روش‌های قواعد تربیت فرزندان را رعایت کنیم و البته برای این‌که نسل جدید ما دچار آفت‌ها نشود، هم باید تربیت را مهم بشماریم و هم فضاهای مجازی و ماهواره‌های مخرب فرهنگ را مهم بشماریم و فرهنگ ازدواج و مسئولیت‌پذیری خانوادگی را مهم بشماریم و طبعاً دولت و نظام هم باید برای تحصیل و اشتغال هم اقدامات بیشتری داشته باشد. در شهر ما هم تقریباً همان وضعیت میانگین کشوری را داریم؛ البته در اینجا رشد 2 درصد به بالاست ولی این بهتر بودن رشد جمعیت به خاطر مهاجرت‌هاست و الا اگر این مهاجرت‌های کارگری به سمت شهر نباشد رشد ما هم 1/5 است. بنابراین این مسئله‌ی جمعیت و خانواده این خطرها را دارد و توجه به این مسئله مهم است.

**توجه دولت به سند راهبردی سیاست‌های جمعیتی کشور**

سند راهبردی و چشم‌اندازی که مقام معظم رهبری که در آن سیاست‌های جمعیتی را اعلام کردند، باید موردتوجه مسئولین باشد. همه‌ی امکانات کشور برای کنار گذاشتن سیاست‌های کنترلی قبلی باید بسیج شود. شبکه‌ی بهداشت و درمان و همه‌ی دستگاه‌های مسئول، باید آن سیاست‌ها را تغییر بدهند و بر اساس آنچه مصوبات مجلس بوده و باید دولت سیاست‌های جمعیتی را نصب‌العین خود قرار بدهند و جدی بگیرند و فرهنگ جامعه هم باید فرهنگ خانواده‌ی خوب، سالم مهربان، دارای فرزند و ازدواج‌های آسان و راحت باشد. این‌ها وظیفه‌ای است که در ماه مبارک رمضان آن را ترویج کنیم.

**مسئله‌ی مهاجرت‌ها**

مسئله‌ی غیربومی‌ها مطرح است. جلساتی برگزار شده است. در این زمینه دو خطر در استان و شهر ما وجود دارد. یکی این‌که اگر ما نهادهای علمی و اقتصاد دانش‌بنیان را پایه‌ریزی نکنیم، نخبگان ما به شهرهای دیگر خواهند رفت. دوم این‌که نیروهای کارگری به سمت شهر و استان خواهند آمد. ما برای حل این مشکل که گاهی هم تولید مشکلاتی در استان و شهر می‌کند. جمعیت زیادی از استان، غیربومی هستند. یا اتباع غیر ایرانی یا ایرانیانی که از مناطق دیگر آمده‌اند. در اینجا ما باید به چند نکته توجه کنیم.

**مهاجرت، مشکلات و راه‌کارها**

یکی این‌که ما به هر غیربومی را مارک به آن‌ها نزنیم. ما در بین این عزیزانی که بومی نیستند انسان‌های متدین و خوب فراوان داریم و لذا کرامت همشهریان و هم‌کیشان خود را باید حفظ کنیم و تندروی درست نیست. دوم این‌که باید این مهاجرت، مهندسی و مدیریت شود. سوم این‌که صنایع و مردم، در محلات باید همکاری داشته باشند برای این‌که افراد ناباب غیربومی به داخل شهر نیایند. کسانی که می‌آیند افراد خوبی باشند و همین‌طور باید تلاش کرد که نخبگانی که می‌آیند را جذب کنیم و مهم این است که صنایع ما صنایع برتر و پاک و دانش‌بنیان شود. این هم محور مهمی است. یک محور دیگر این است که مراکز علمی تحقیقی را گسترش بدهیم. سیاست ما در 20 سال گذشته این بوده است. ما در این مدت ده‌ها مرکز علمی تأسیس شده است و باید گسترش پیدا کند. اگر این‌ها را نداشتیم، همین نخبگان شهر ما هم می‌رفتند. بازسازی سیاست‌های صنعت، سیاست‌های علم و دانش و مراکز علمی، سیاست‌های جذب کارگر و مدیریت صنایع لازم است. یک برنامه‌ی بلندمدتی در دست طرح است و جلساتی هم گذاشته شده است و کسی هم مسئول این کار شده است و تمام ادارات هم قرار شده همکاری کنند تا این مقوله، ساماندهی شود. باز هم‌عرض می‌کنم تندروی خوب نیست. بد شمردن همه‌ی کسانی که از جای دیگر می‌آیند، غلط است. ما هم از کشورهای دیگر کسانی می‌آیند که خیلی عزیز هستند و کسانی از هم‌وطنانی که از جای دیگر می‌آیند، خیلی عزیز هستند. ما نباید به احساسات تند ناروای ناسیونالیستی دامن بزنیم ولی باید مواظب باشیم کسانی که نخاله هستند و فرهنگ ما را مخدوش می‌کنند، وارد شهر نشوند. البته گاها خود ما هم در بعضی مواقع پیش‌قدم هستیم و یک‌طرفه نیست. لذا باید برنامه‌ی جامعی داشت. الآن هم طراحی شده است و همین‌جا هم به مسئولین محترم تأکید می‌کنم که مهندسی مهاجرت در شهر را جدی بگیرند. همان‌طور که در استان هم به این مقوله توجه می‌شود. امیدوارم که یک سیاست جامع استانی پیشه شود و دنبال شود.

**وظایف مردم در مقابل حفظ محیط‌زیست**

باید این نکات موردتوجه قرار بگیرد همان‌طور که بحث محیط‌زیست یک بلای خانمان‌سوزی است که تومار ما را در هم می‌پیچد. باید به این مقوله هم خیلی توجه کرد. صاحبان صنایع و کسانی که در این کار سهیم هستند، هم مهندسی مهاجرت‌ها و هم توجه به محیط‌زیست و حفظ فضای سبز و فضای کشاورزی، این‌ها نکات کلیدی است والا 20 سال دیگر تمام ارکان و فرهنگ این شهر بر هم می‌ریزد. از همه مهم‌تر هم این است که باید مردم ما باید مردمی فرهنگی قوی باشند که کسانی هم که می‌آیند متدین شوند. خود ما وظیفه‌ی سنگینی داریم. لذا همه وظیفه داریم. اگر همین کسانی که در جماعت‌ها شرکت می‌کنند، عزم خود را جزم کنند، خیلی از مسائل حل می‌شود. مسئولین هم باید همکاری کنند.

**جدی گرفتن دغدغه‌های فرهنگی رهبری**

دغدغه‌های فرهنگی، دغدغه‌های مهمی است. رهبری معظم بارها و همین هفته با هیئت دولت مطرح کردند. مدارس، دانشگاه‌ها، وزارتخانه‌ها، روحانیت، آموزش‌وپرورش، نهادها و غیره در برابر این دغدغه‌ها باید جدی باشند. موج‌هایی که امروز می‌آید، ما را در یک دوره‌ی گذار و گذر قرار داده است. همه‌ی ارکان جامعه‌ی ما در حال تزلزل است. باید همه‌ی مسئولین جدی باشند و دغدغه‌های رهبری را مهم بشمارند.

**راهپیمایی روز قدس، وظیفه‌ای همگانی**

آخرین نکته هم این است که علاوه بر شب‌های قدر که شکوه معنوی و راز و نیاز شهر ماست و به فضل الهی در همه‌ی کشور، آوای راز و نیاز و معنویت بلند است، دو حادثه‌ی دیگر در پیش رو داریم. یکی راهپیمایی روز قدس است. برادران و خواهران، هیچ‌چیزی بهانه نیست. امروز غزه در زیر چکمه‌های خون‌خواران عالم در حال جان دادن است. آن‌همه ظلم و ستم را دیده‌اید و می‌بینید که همه‌ی قدرتمندان زورگوی عالم به دنبال این هستند که جنگ غنا و فقر، جنگ اسلام و کفر، جنگ استضعاف و استکبار را به جنگ خانگی درجاهای مختلف عالم اسلام، تبدیل کنند. تبدیل این معادلات، تغییر میدان‌های جنگ، درگیر کردن امت اسلام به این مصیبت‌ها در جلوی چشم ماست. هم‌زمان با این‌ها اسرائیل نفس راحتی می‌کشید. به فضل الهی یک جریانی در فلسطین رخ داد. الآن اسرائیل خیلی عقب است. در هفته‌ی آینده این‌ها را خدمت شما عرض خواهم کرد. در قدس باید شکوه ملت ما، شکوه انقلاب اسلامی، شکوه مبارزه با جهان خواران، شکوه وحدت و همبستگی اسلامی، شکوه ملت بزرگ ایران به نمایش گذاشته شود. قدس، روز اسلام است. روز پیامبر خداست. روز رسول خداست. روز آزادی مسلمانان است. روز فریاد خروشان ملت بزرگ و رشید اسلام است. این روز را باید گرامی داشت. اگر ما در روز قدس، حضور باشکوه و دشمن‌شکن داشته باشیم، دشمن در مذاکرات هم تسلیم خواهد شد. در سوریه و عراق هم کوتاه خواهد آمد. اگر سستی در ارکان ما در روز قدس پدید بیاید، در همه‌ی میدان‌ها ما ضعف پیدا می‌کنیم. روز قدس، روز ایران است. روز اسلام است. روز رمضان است. روز جهاد و شهادت است. روز پایداری و حضور درصحنه‌ی مبارزه‌ی با دشمنان ملت و اسلام است. روز نمایش قدرت بزرگ انقلاب اسلامی است. ملت ما شهرها و استان‌های کشور ما و شهر عزیز ما باید سراپا در روز قدس، نشاط ایمانی و شور انقلابی را به نمایش بگذارد. این انتظار از شماست و در آخر ماه هم روز عید فطر است. امیدواریم که خداوند به همه‌ی ما توفیق فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی شئون، عنایت بفرماید.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر7 ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

1. . سوره‌ی بقره، آیه‌ی 7.. [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره‌ی بقره، آیه‌ی 171 [↑](#footnote-ref-2)
3. . سوره‌ی جاثیه، آیه‌ی 23. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ی بقره، آیه‌ی10.. [↑](#footnote-ref-4)
5. . غررالحکم، ص 84. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی روم، آیه‌ی 10. [↑](#footnote-ref-6)
7. . بحارالانوار، ج 70، ص 360. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره‌ی روم، آیه‌ی 10. [↑](#footnote-ref-8)
9. . غررالحکم، ص 47. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ی فرقان، آیه‌ی 23. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره‌ی شعراء، آیه‌ی 227. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-12)